

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۰۶ جون ۲۰۲۰

## مکت کوتاهی به ارتباط کشته شدن ملا "نیازی"

۳

جمعه ۱۶ جوزای ۱۳۹۹ - کابل:

۳- خوانندگان ارجمندی که دو قسمت قبلی این مختصر را به دقت تعقیب نموده اند، حتماً متوجه شده اند، که ملا "نیازی" نسبت به تعهدات قبلی خود به دو چرخش دست زده است، یکی اعلام شبه استقلال از "جمعیت اسلامی" به خصوص بعد از مرگ "برهان الدین رباین" و دیگری فاصله گیری از پاکستان و "آی. اس. آی." به نفع نزدیکی مستقیم با "سیا" و "موساد". و اما این که چرا چنین شد بر می گردد به تغییراتی که در اداره و سیاست های "ازهر" به وجود آمد، آنهم بدین طریق:

این را می دانیم که مرکز تحصیلی و علمی "ازهر" با تمام سوابق آن، به موازات گسترش نفوذ قدرت های استعماری غرب به خصوص فرانسه و انگلستان در مصر، تحت تأثیر آن کشور ها قرار گرفته، الی کودتای جنرال نجیب و بعد تر جمال ناصر، در واقع برای تمام جهان اسلام ملا و مولوی طرفدار استعمار غرب به خصوص امپریالیسم انگلیس، پرورش می داد.

از آغاز کودتای "جمال ناصر" و چرخشی که در سیاست های داخلی و بین المللی مصر در زمان "ناصر" و بعد تر "انور السادات"، به وجود آمد، تأثیر مستقیمش را بر طرز پرورش طلاب "ازهر" نیز گذاشته، ملا هائی که در طی تقریباً سه دهه در "ازهر" پرورش یافتند، عمدتاً یا در پیوند استخباراتی با "ک. ج. ب." قرار داشتند و یا هم حداقل تمایلاتی نسبت به شوروی در آنها وجود داشت.

در این دوره اکثریت استادان و نخبگان فراغت یافته از "ازهر" بیشتر به مثابه بخشی از شبکه تبلیغات مسکو و ادامه "ک. ج. ب." عمل می کردند تا تدریس مسایل دینی و مذهبی. در همین دوره است که استادان مهمان مصری در افغانستان، از طریق آموزش آنها از درون "مدارس دینی" افغانستان، جواسیسی چون "سلیمان لایق، دستگیر پنجشیری، بارق شفیعی، قدوس غوربندی" و بقیه هم سلکان آنها را، در دامان گنبدیده شان پرورده، پایه و اساس نفوذ استخبارات شوروی را پی ریزی نمودند.

این وضع تا زمانی ادامه یافت، که "سادات" با "بگین" کنار آمد و بعد از عقد پیمان صلح با اسرائیل، عذر روسها را خواسته، آنها را از مصر اخراج نمود. امری که از جانب اخوان وابسته به روس در مصر غیر قابل پذیرش تلقی شده، به مرگ سادات منجر شد.

با روی کار آمدن "حسنی مبارک" و تعقیب سیاست های "سادات" از جانب وی، به موازات لغزیدن بیشتر مصر به دامان امپریالیسم و صهیونیسم، "ازهر" نیز از یک مدرسه تربیت کادر برای روسها، به مدرسه تربیت کادر به نفع امپریالیسم و صهیونیسم استحاله یافت. وضعی که تا امروز ادامه دارد. یعنی در عین حالی که نسل های پیشین فارغ التحصیلان "ازهر" بیشتر در پیوند با استخبارات روسیه گام می گذاشتند، نسل های جوان و میانه سال، به دست دراز امپریالیسم و صهیونیسم مبدل شده اند. برگردیم به ملا "نیازی".

"ملا" "نیازی" که حین رفتن به مصر، جوانی بود طرفدار "جمعیت اسلامی" و در پیوند با "آی. اس. آی"، حین تحصیل در مصر "حسنی مبارک" به مانند صد ها و هزاران تن از همسالانش، از طریق استخبارات مصر، با "سیا" و "موساد" رابطه یافت. در نتیجه وقتی بعد از ختم تحصیل به افغانستان برگشت، نه می توانست با "برهان الدین ربانی" و "جمعیت اسلامی" دمساز ماند و نه هم می توانست با "آی. اس. آی". روابط قبلی را احیاء نموده استحکام بخشد. زیرا از یک سو وظیفه داشت تا در کنار "جوایس تکنوکرات" قرار گرفته به تقویت پایه های لرزان سلطه آنها بکوشد و از جانب دیگر، مسؤولیتش ایجاب می نمود، تا پاکستان و سازمان استخباراتش را فدای روابط جدیدش به نفع امپریالیسم امریکا و صهیونیسم و "موساد" نماید.

این همان روابطیست که وی را از یک سو در تقابل با "جمعیت اسلامی" قرار می دهد و از جانب دیگر در تقابل با سیاست های پاکستان و دست نشاندگانش. یعنی از یک سو تلاش می ورزید تا خود برایش در ولایت بدخشان آرگاه و بارگاه جدیدی به کمک و در تطابق با سیاست های "جمعیت" زدایانه ارگ بنیان گذارد و موقف "جمعیت اسلامی" را در آن ولایت ضعیف سازد و از جانب دیگر با حملاتی بر طالب و داعش، دست پروردگان پاکستان را زیر ضربت قرار داده، در حد امکان حاکمیت وابسته به امپریالیسم و صهیونیسم را حقانیت ببخشد.

ادامه دارد.